



به طارمی و علیپور جایزه دادند به دیاباته نه!

## استقلال به دنبال کفش طلای شیخ

صفحه ۶

نیمکت نشینان پرسپولیس علیه جوسازی فولادی‌ها

## نعمتی توپ از دست می‌داد نگو نام مسخره‌اش می‌کرد

قبل از آن سوت اشتباه نیمکت ما آرام بود

پیروانی: با عذرخواهی داور مصدومیت بازیکن ما خوب می‌شود؟

صفحه ۷

بنایه تند باشگاه فولاد درباره اتفاقات بازی با پرسپولیس:

## نباید اجازه دهیم باشگاهی خاص زور گویی کند

صفحه ۳

رونمایی از لباس زنان پاورلیفتینگ کار

## کلیپ جنجالی

صفحه ۴



آیا منچستر یونایتد می‌تواند قهرمان لیگ برتر شود؟  
مورد عجیب شیاطین سرخ

## روزنامه‌های ورزشی هنوز اهمیت دارند؟

سرمقاله

آرمن ساروخانیان @armen7791

انتشار روزنامه‌های ورزشی در ایران از دهه ۷۰ شروع شد. در آن زمان کیوسک‌ها در فرق هفته‌نامه‌ها بود و توله روزنامه‌های ورزشی پاسخ به نیاز ورزش‌دوستانی بود که می‌خواستند صبح به صبح در جریان اخبار و اتفاقات قرار بگیرند.

روزنامه‌های ورزشی تکثیر شدند و تیراژشان بالاتر رفت، ولی پس از مدتی با رقیب قدرتمندی به نام اینترنت روبه‌رو شدند و ظهور سایت‌های ورزشی و شبکه‌های اجتماعی ضربه نسبتاً شدیدی به فروش آنها بود. حتی گروهی نسبت به آینده روزنامه‌های ورزشی و به طور کلی نشریات مکتوب بدبین هستند و آنها را محکوم به فنا می‌دانند، ولی اتفاقی که در روزهای گذشته برای روزنامه اکپ رخ داده این نظریه را تکذیب می‌کند و نشان می‌دهد که روزنامه‌های ورزشی برای طرفداران ورزش جایگاهی دارند که رسانه‌های مشابه به راحتی نمی‌توانند آن را بکنند.

تنها روزنامه ورزشی فرانسه از هشتم ژانویه به دلیل اعتصاب بخشی از کارکنانش در اعتراض به سیاست تعدیل نیرو منتشر نمی‌شود و این موضوع در محافل ورزشی با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شده است. هرچند در فرانسه شبکه‌های تلویزیونی، برنامه‌های رادیویی و سایت‌های ورزشی فعالی وجود دارند، ولی ظاهر هیچ کدام نتوانسته جای اکپ را بکنند. تعدادی از چهره‌های ورزشی فرانسه برای حمایت از کارمندان اکپ و کمک به پایان این اعتصاب نامه مشترکی منتشر کردند که روز به روز به تعداد امضاها زیر آن اضافه می‌شود و به تازگی تعدادی از سایرین هم به آن پیوسته‌اند.

جمع امضاکنندگان این نامه از اعضای تیم فوتبال قهرمان جهان سال ۱۹۹۸ تا قهرمانان المپیک فرانسوی و بازیگران سینما دیده می‌شوند. در این میان نیکولا ماهو، رئیس‌جمهور فرانسوی هم نامه‌ای درباره علاقه‌اش به اکپ نوشته که می‌توان برای رابطه تمام طرفداران ورزش با روزنامه‌های ورزشی در هر گوشه از جهان تعمیم داد. بخش‌هایی از نامه ماهو به این شرح است: «اکپ برای من لذت رفتن به کیوسک است، روزهایی که روزنامه در یک دست و نان باگت در دست دیگرم بود، برایم یک روز موفق تضمین شده حساب می‌شد. هنوز هم می‌توانم احساسی را که از خواندن گزارش رقابت استافان دیاکاتا (دنده ماده چهارصد متر با مانع) در آن خواندم، درک کنم. با والدینم تازه از ساحل برگشته بودیم و یا هلم هنوز شنی بود که قصه رقابتی که به طور زنده ندیده بودم و رفته‌ای که طرفدارش نبودم را بلعیدم، انگار خواب می‌دیدم. نمی‌دانم این گزارش را چه کسی نوشته بود، ولی شاهد پرتویری از این لحظه تاریخی بودم و کمک کرد که من هم احساس کنم آنجا بودم.» «بارها مصاحبه‌های بیت سمیراس، الگوی ورزشی‌ام را بریدم و به دیوار اتاقم چسباندم تا به من انگیزه بدهد.» «بارها جلد‌های روزنامه را بریدم تا لحظات تاریخی را مانند گار کرم.» «چه کسی است که برای تفریح تلاش کرده باشد تیتور روزنامه فرادایم را بازیکنان تیم محبوبش را حدس بزند؟»، «خواندن این روزنامه چند ورزشکار حرفه‌ای، مربی، مدیر و روزنامه‌نگار را به سمت حرفه‌هایشان هدایت کرده؟»

روزنامه‌های ورزشی ایران سابقه اکپ را ندارند و از طرف دیگر مشکلات خاص خودشان را دارند که اجازه نداده در این سال‌ها به کیفیت بالاتری برسند، با این حال هنوز هم بخش مهمی از محتوای ورزشی در همین روزنامه‌ها تولید می‌شود و منبع مهمی در تغذیه رسانه‌های فضای مجازی است.

شاید دسترسی آسان به رسانه‌های اینترنتی و مشکلاتی مثل شیوع کرونا و گرانی کاغذ روی فروش روزنامه‌های ورزشی اثر منفی گذاشته، ولی هنوز روزنامه‌های حیات‌شان ادامه می‌دهند و رفیع برخی از این موانع و تلاش برای ارائه کیفیت بهتر هنوز می‌تواند مخاطبان را مجاب کند که هر روز صبح برای خرید روزنامه به کیوسک بروند، تحلیل مسابقات روز قبل یا گزارشی که درباره یک رشته دیگر نوشته شده را با واقع بخوانند و به آن علاقه‌مند شوند، مصاحبه ورزشکار مورد علاقه‌شان را بخوانند و برای فعالیت در آن رشته انگیزه پیدا کنند....

فوتبال در ایران سالم نیست

## دایی: قرار است یکی از اعضای کادرفنی اورتون شوم

صفحه ۲

درباره نقش کریم باقری روی نیمکت

پرسپولیس و آنچه باید باشد

# مبصر یا تگن‌سین؟

## نه آقای باقری، اسم این کارها نمی‌تواند مربیگری باشد

نگاه مخالف

فرشاد کاس‌نژاد @Farshadcasnejad



دیگری هستند، خود را در نقش یک ناظم جا می‌زنند و از اعتبار دوران فوتبالش خرج می‌کنند تا بازیکنان مقابل واکنش‌های او سر فرو بیاورند. مرسوم است که این نقش در رسانه‌ها همیشه مورد تمجید قرار بگیرد، او را آقا کریم صدا بزنند و حتی همواره به تیم‌های دیگر توصیه کنند که یک کریم باقری برای خود پیدا کنند.

شخصیت تأثیرگذار، یکی از ویژگی‌های مربیان است. آنها با شخصیتی که با وام از دوران فوتبال خود یا دوران مربیگری خود به دست می‌آورند، تیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و این شخصیت در ایجاد نظم تیمی بی‌شک مؤثر است. اما این فقط یکی از چندین و چند ویژگی یک مربی است و هیچ‌کس نمی‌تواند فقط با شخصیت تیغ‌دار، مربی باشد و وقتی به چندین ویژگی دیگر در حرفه‌اش نگذارد و برای به دست آوردن هر ویژگی مؤثر دیگری قدمی بردارد و جایگاه مربی را با توصیف‌های بیهوده رایج مال خود کند. برای مربی شدن باید سخت کار کرد، باید به سختی هر روز به دانسته‌های خود افزود و با چند سیلی و لگد به بازیکنان در هر فصل، هیچ‌کس مربی نمی‌شود.

کریم باقری به اعتبار فوتبال، به اعتبار مربیگری و به اعتبار پرسپولیس در اینستاگرام مشغول تبلیغات فالوور فروشی است. بله، از او بعید بود اما انگار از کمتر کسانی بعید است.

کریم باقری با هر توصیف و تمجید درباره آقایان و تأثیرگذاری و بزرگواری و سیلی و لگدی که به بازیکنان می‌زند، صاحب اعتبار بیشتری برای فالوور فروشی می‌شود و حتی اعتبار تبلیغات فروش فالوور را نه با مربیگری، بلکه با نقشی من‌درآوردی به عنوان مسئول دستور خفگان روی نیمکت به دست آورده است.

این نکته طنزآمیز به نظر می‌رسد اما واقعیت دارد که کریم باقری با وایرال شدن بحث تبحرش در چک و لگد روی نیمکت، امروز موفق به فروش چندصد تا فالوور بیشتر به سالن اپیلاسیون محل شد. این - با تأسف - اوج قدرت اقتصاد فوتبال ایران است. مهم‌ترین چهره‌های فوتبال با وجه‌اشتهار و اعتبار ورزشی خود نه در درآمدزایی به شیوه‌ای که دور از شأن یک چهره شناخته‌شده نباشد، بلکه به همین روش‌های سفید در اینستاگرام فارسی کسب درآمد می‌کنند. این مثال از این رو اهمیت دارد که نشان دهد تصویر شخصیت ثبت‌شده از چهره‌های معتبر فوتبال تا چه اندازه مخدوش شده است و با نقش ناظم روی نیمکت و با توصیف‌های دم‌دستی ژورنالیستی بازسازی نمی‌شود.

در این روزگاری که زندگی ما را می‌گذرانند، چاره‌ای نداریم جز اینکه تا همین اندازه مته به خشخاش بگذاریم و سخت بگیریم به آنچه حوالی ما نفس کشیدن را سخت کرده است.



همانطور که برانکو از این بخت بزرگ برخوردار بود که او را کنار خودش داشت. مردی که از تمام بازیکنان پرسپولیس بزرگتر و افتخاراتش بیشتر است. آنقدر محترم که حتی بازیکنان حریف هم مقابلش متواضع هستند. او می‌تواند هم در تمرین و هم هنگام مسابقه هر بازیکن سرکشی را به فرمان‌پذیری وادار کند.

هر تیمی یک کریم باقری می‌خواهد. یک کاپیتان بیرون از زمین. یک لنگر تسکین خودش می‌گوید فحش داد و بدون توپ لگد زد. کریم هم با مشت کوبید توپی صورتش. کارت قرمز گرفت. سرش را انداخت پایین و ویکراست رفت رختکن. همین! یحیی خوشبخت است که کریم باقری را دارد.

کیست.

کریم باقری حتی در دوران اوچش هیچ وقت اهل گری خواندن در رسانه‌ها نبود، با توپ حرفش را می‌زد، فوتبالش را چنان به تیم حریف دیکته می‌کرد که لازم نبود بیرون از آن برای کسی شاخ و شانه بکشد. خشمش از یک بار دیدیم. مقداتی جام‌جهانی ۱۹۹۸. سبیل‌هایش را زده بود و رفت توی زمین. بازیکن تیم قطر عصیان‌اش کرد.

خودش می‌گوید فحش داد و بدون توپ لگد زد. کریم هم با مشت کوبید توپی صورتش. کارت قرمز گرفت. سرش را انداخت پایین و ویکراست رفت رختکن. همین! یحیی خوشبخت است که کریم باقری را دارد.

آقا کریم یکی از اقاب‌های ماندگار بازی این هفته پرسپولیس و فولاد شد. عکس‌هایش در حال تذکر جدی به تگن‌سین‌زادگان برای دست کشیدن از اعتراض به داوری را حتماً دیده‌اید. این اولین بار نیست که کریم باقری اینطور بازیکنان سرکش تیمش را رام می‌کند. در دربی‌های تهران هم هر وقت لازم بود وسط زمین می‌آمد و حتی یک بار تا مرز تک‌تک‌زدن شیت رضایی و شجاع خلیل‌زاده پیش رفت. در دربی مهر ۹۸ هم وسط مشیت و لگدپرازی بازیکنان دو تیم، به داد داور رسید، با دست جلوی دهان میسایک نعمتی را گرفت، احمد نوراللهی را اهل داد و اجازه دخالت به شجاع نداد و بهترین افتخاراتش فقط جای یک تندیس «بهترین بازیکن آسیا» خالی است.

براید را خرید اما امیر عابدینی «نه» نیاورد، می‌دانست چه الماسی به تورش افتاده. کریم شد زترال خط هافبک پرسپولیس و تیم ملی ایران.

سال‌هاست که هیچ فوتبالیستی مثل او کوتاه و زرد رنگ «کشاورز» را تا جایی که می‌شد تا می‌کرد، تمام مدت می‌دوید و انگار خیلی به جاذبه زمین اعتقاد نداشت. همیشه روی هوا بود. محکم سر می‌زد، تکل‌هایش جانانه بود اما صدایش را کسی نمی‌شنید. صدای کریم. کریم باقری.

وقتی با ۲۲ میلیون تومان به پرسپولیس پیوست، انگار در تمام ارکان فوتبال ایران زلزله آمده بود. با آن پول الان نمی‌شود نصف یک

هر تیم یک نفر مثل آقا کریم می‌خواهد

## بزرگ تیم

نگاه موافق

احسان محمدی



اولین تصویرهای بسیاری از ما، جوان‌ها غر اندام و قدبلندی بود که آستین پیراهن آستین کوتاه و زرد رنگ «کشاورز» را تا جایی که می‌شد تا می‌کرد، تمام مدت می‌دوید و انگار خیلی به جاذبه زمین اعتقاد نداشت. همیشه روی هوا بود. محکم سر می‌زد، تکل‌هایش جانانه بود اما صدایش را کسی نمی‌شنید. صدای کریم. کریم باقری.

وقتی با ۲۲ میلیون تومان به پرسپولیس پیوست، انگار در تمام ارکان فوتبال ایران زلزله آمده بود. با آن پول الان نمی‌شود نصف یک



ضمیمه رایگان

۱۶ صفحه

بخواهید